

رد پای آیین کهن فروردیگان در مراسم چهارشنبه سوری

فرزانه گشتاسب *

(تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۰۲، تاریخ تأیید: ۹۹/۰۶/۱۰)

چکیده

یکی از موضوعاتی که درباره جشن چهارشنبه سوری مطرح شده است، ارتباط این جشن با آیین‌های کهن ایرانی است. در این مقاله نخست به ارائه گزارشی از آیین فروردیگان که پیش از نوروز در جامعه زرتشتیان ایران برگزار می‌شود، پرداخته‌ایم و سپس سه رسم اصلی چهارشنبه سوری را که عبارت‌اند از آتش افروزی، آجیل چهارشنبه سوری و تفأل زدن، بررسی و با رسوم جشن فروردیگان مقایسه کرده‌ایم. به نظر می‌رسد که دو رسم نخست از آیین‌های فروردیگان هستند که رد پای آنها و جزئیات هر یک را در بسیاری از رسوم چهارشنبه سوری در روستاها و شهرهای ایران همچنان مشاهده می‌کنیم؛ اما رسم تفأل زدن و برکت خواهی، خاص چهارشنبه سوری است و به دلیل همزمانی این جشن با نوروز و اعتقاد به برکت طلبی در آغاز سال نو به رسوم این جشن اضافه شده است. به نظر می‌رسد که جشن فروردیگان یا گاهنبار همسپتدم^۱ (ششمین گاهنبار) که یکی از آیین‌های دینی مهم زرتشتیان بوده است پس از اسلام به جامعه زرتشتی محدود شد؛ اما آیین‌ها و آداب آن در دو آیین مهم پیش از نوروز یعنی «چهارشنبه سوری» و «شب عرفه» حفظ شده و به دوره کنونی رسیده است.

کلیدواژگان: چهارشنبه سوری، فروردیگان، گاهنبار همسپتدم، نوروز، آداب و رسوم

* عضو هیئت علمی / گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی / پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
Email: f.goshtasb@ihcs.ac.ir

^۱ اوستایی: hamaspaθmaēdaya

مقدمه

چهارشنبه سوری یکی از آیین‌های مهم روزهای پایانی سال و مقدمه‌ای برای آغاز سال جدید است. درباره ریشه و معنای نام این جشن، پیشینه تاریخی آن و آداب و رسوم مردم ایران در این روز پژوهش‌های بسیاری انجام شده و تقریباً در تمام کتاب‌ها و مقالاتی که نام این جشن را بر خود دارند، این مباحث کم و بیش مطرح شده است.^۱

نام «چهارشنبه سوری» نشان می‌دهد که در دورهٔ ایران باستان و نزد زرتشتیان آن دوره، جشنی به این نام وجود نداشته است چون در گاهشماری ایران پیش از اسلام، بویژه ایران زردشتی نام گذاری روزها و جشن‌ها به ترتیبی دیگر بوده است. در آن دوره، ماه را بر اساس هفته تقسیم بندی نمی‌کردند، بلکه هر روز از یک ماه سی‌روزه را به نام ایزدی می‌خواندند و هر رویدادی را نیز با ذکر نام ماه و نام روز مشخص می‌کردند، مثلاً «ماه فروردین و روز خرداد» که روز تولد زردشت بوده است (قریب، ۱۳۷۶: ۱۸). در ایران پیش از اسلام، تنها گروه‌هایی از غیر زرتشتیان، مانند مانویان، از «هفته» برای تقسیم‌بندی زمان استفاده می‌کردند و احتمالاً نام گذاری شنبه، یکشنبه، ... آدینه برای روزهای هفته از مانویان وام گرفته شده است، چون ایشان نیز همین نام‌ها را برای روزهای هفته به کار می‌بردند (همان: ۲۰).

بنابراین نام جشن «چهارشنبه سوری» در دورهٔ اسلامی ساخته شده است و چنان که برخی پژوهشگران گفته‌اند شاید با شومی و بدیمنی روز چهارشنبه نزد برخی اقوام غیرایرانی مانند اعراب ارتباط دارد؛ اما آیین‌ها و مراسمی که در این جشن برگزار می‌شود، با برخی آیین‌های ایران باستان و باورهای آن دوره بسیار شبیه است و به نظر می‌رسد با جشن‌های ایران باستان ارتباط دارد. رابطهٔ چهارشنبه سوری با جشن کهن فروردیگان یا گاهنبار همسپتمدیم به دلیل نزدیکی زمان برگزاری این دو جشن، موضوعی است که برخی پژوهشگران به آن اشاره

۱ برای نمونه نک: پورداود، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۱۰۲؛ فره‌وشی، ۱۳۹۰: ۱۱-۲۷؛ رفیع‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۵؛ روح‌الامینی، ۱۳۸۷: ۴۸-۵۳؛ برزآبادی فراهانی، ۱۳۸۹: ۴۵-۱۰۸؛ هویان، ۱۳۹۰: ۳۹-۴۰؛ مجتهد پور، ۱۳۹۴: ۴۴۴-۴۵۵.

کرده‌اند؛^۱ برای نمونه میرشکرایی (۱۳۷۴: ۴۵۷) بر این باور است که «چهارشنبه سوری بی‌تردید ریشه در آئین‌های کهن پایان سال دارد و به احتمال بازمانده جشن فروردگان است، که در دوره اسلامی با تغییر تقویم و تقسیم سال به ماه و هفته، با حفظ اغلب عناصر باستانی، در آخرین چهارشنبه سال قرار گرفته است». فروردیگان یا گاهنبار همسپتمدم که در کهن‌ترین متون ایرانی یعنی اوستا از آن سخن رفته است، رسمی است که همچنان در بین زرتشتیان زنده است و برگزار می‌شود.

علی‌رغم تأکید این پژوهشگران بر ارتباط چهارشنبه سوری با جشن فروردیگان، تاکنون شواهد کامل و دقیقی برای این ارتباط و پیوستگی ذکر نشده است. فرضیه نگارنده این است که برگزاری جشن فروردیگان — که یکی از جشن‌های مهم دینی زرتشتیان و از آیین‌هایی است که برگزاری آن واجب و از زمره «فرضیات دینی» بوده است^۲ — پس از اسلام که جامعه زرتشتی محدود شد؛ آیین‌ها و آداب آن که در فرهنگ مردم ایران استوار گشته بود، با نام و شکلی دیگر حفظ شد و از میان نرفت. گمان نگارنده بر این است که برخی از آیین‌ها و آداب جشن فروردیگان یا گاهنبار همسپتمدم در دو آیین مهم پیش از نوروز یعنی «چهارشنبه سوری» و «شب عرفه» حفظ شده و به دوره کنونی رسیده است.

درباره «شب عرفه» — که با نام‌های «جمعه برات»، «برات مردگان و زندگان»، «عید مردگان»، «جمعه آخر سال» و جز آن نیز مشهور است — و ارتباط آن با جشن فروردیگان،

۱ نیز نک: پورداود، ۱۳۸۶: ۱۰۰؛ رایینو، ۱۳۵۰: ۲۹؛ رجبی، ۱۳۷۵: ۱۸-۱۹؛ مزدپور، ۱۳۹۱: ۱۰۶.

۲ فرضیات دینی، رسومی هستند که کوتاهی در انجام آنها، بنابر اصطلاحی که در این متون آمده است، سبب «گناه پُل» یا «به پُل شدن گناه» می‌شود (مزدپور، ۱۳۶۹: ۱۷۳، ۱۶۳). در روایات داراب هرمزبار درباره معنی «به پُل شدن» چنین آمده است: «این شش کرفه که در دین گفته است، از این شش کرفه اگر یکی از وقت گذشته باشد و به دیگر وقت دو چندان کند روا نباشد، ازیرا که دیگر وقت که دو چندان کنند آنرا دو چندان کرفه باشد، اما آن وقت که گذشته، عوض آن به دیگر کرفه توجهن (جبران) نیست و این را گناه پُل می‌گویند» (Unvala, 1922, vol.2, pp. 296-297). این شش آیین عبارت‌اند از: گاهنبار، فروردیگان، ریتون، مراسم درگذشتگان، خواندن سه بار خورشید نیایش در روز و سه بار ماه نیایش در ماه (نیز نک: مزدپور، ۱۳۶۹: ۱۷۳-۱۷۵).

حمیدرضا دالوند مقاله‌ای مفصل نوشته است.^۱ در این مقاله تلاش می‌شود رابطهٔ آیین فروردیگان را با رسومی که در نقاط مختلف ایران در جشن چهارشنبه سوری برگزار می‌شود، نشان دهیم. بر این اساس نخست گزارشی از رسوم جشن فروردیگان نزد زرتشتیان ایران ارائه می‌شود و سپس ذیل سه عنوان «افروختن آتش»، «آجیل چهارشنبه سوری» و «تغال زدن و برکت خواهی» — که شاید بتوان آنها را مهم‌ترین رسوم آیین چهارشنبه سوری دانست — به مقایسه آیین‌های فروردیگان با رسوم این جشن در مناطق مختلف ایران خواهیم پرداخت. آنچه در بخش «رسوم جشن فروردیگان نزد زرتشتیان ایران» آمده است، با کار میدانی و مصاحبه با زرتشتیان یزد و تهران و یا مشاهدات مؤلف مقاله گردآوری شده است.

۱. رسوم جشن فروردیگان نزد زرتشتیان ایران

فروردیگان — که در متون فارسی زرتشتی به صورت‌های فروردگان، فروردیان و فروردیان نیز ضبط شده است^۲ — نام یکی از آیین‌های مهم زرتشتیان است که در ده روز آخر سال برگزار می‌شود. زرتشتیان ایران، این جشن را نه به نام فروردیگان، بلکه به نام «پنجه» یا «گاهنبار پنجه»^۳ می‌شناسند و پنج روز اول را «پنجه کوچک»^۴ و پنج روز دوم «پنجه بزرگ»^۵ یا «پنجه وه» می‌نامند. این آیین، همان گاهنبار ششم یا گاهنبار همسپتدم است که نامش در کهن‌ترین متون زرتشتی یعنی اوستا آمده است.^۶ در بندهای چهل و نهم و پنجاهم فروردین یشت از ستایش

۱ دالوند به کمک اسناد و یادداشت‌های «پرونده جمعه آخر سال» در گنجینه اسناد واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما، پژوهشی کامل درباره آداب و رسوم مناطق مختلف ایران و ارتباط آن با جشن فروردیگان یا گاهنبار همسپتدم انجام داده است؛ نک: دالوند، ۱۳۸۹: ۷-۲۸.

2 Unvala, 1922, vol.1: 292, 294, 351, 499, 500, 506.

^۳ گویش بهدینان یزد: *gambār-e p3nji*

^۴ گویش بهدینان یزد: *p3nji-y kas*

^۵ گویش بهدینان یزد: *p3nji-y mas*

۶ یسنا، قطعات ۱/۹، ۲/۹؛ ویسپرد، قطعات ۱/۲، ۲/۲؛ فروردین یشت، قطعه ۴۹ (Bartholomae 1961: 1176).

فروهرهای نیک پاکان سخن رفته است که در ده شبِ هَمَسپَتمَدِم در آرزوی نیایش و ستایش مردمان به سوی زمین پرواز می‌کنند (مولایی، ۱۳۸۲: ۹۸)؛ باوری که همچنان در میان زرتشتیان زنده است و مراسم پنجه آخر سال را با همین اعتقاد برگزار می‌کنند. ایشان معتقدند که در آخرین شب این مراسم که آخرین شب سال نیز است، فروشی همه درگذشتگان به جهان مینو باز می‌گردند و به همین دلیل، آن هنگام را «شب وه»^۱ یعنی «شب بهتر، بهترین شب» می‌نامند.

بیشتر رسومی که در جشن فروردیگان برگزار می‌شود، مانند پنج گاهنبار دیگر است (گشتاسب، ۱۳۹۹: ۶۲-۷۲). مهم‌ترین تفاوت و ویژگی این مراسم آن است که آیین فروردیگان یا پنجه و به‌ویژه مراسم شب آخر فروردیگان را همه زرتشتیان برگزار و به اصطلاح «پنجی داری» می‌کنند، در حالی که مراسم اصلی پنج روز گاهنبار — هم در گاهنبار همسپتمدم و هم در پنج گاهنبار پیش از آن — تنها در خانه کسانی برگزار می‌شود که در خانواده ایشان گاهنباری بنیان گذاشته شده باشد. در آن پنج روز بقیه زرتشتیان که برگزار کننده گاهنبار نیستند در مراسم و نیایش‌های آن شرکت می‌کنند و با برگزار کنندگان «هم بهره» شده و اینچنین از سود مینوی مراسم بهره مند می‌شوند؛ اما چنانکه گفته شد، مراسم فروردیگان و آخرین شب گاهنبار همسپتمدم را همه زرتشتیان برگزار می‌کنند.^۲

برخی از زرتشتیان یزد یک روز از پنج روز آخر سال و برخی دیگر هر پنج روز، در «پسگم مس»^۳ که صفه اصلی خانه است، یا در «اتاق پاکی»^۱ اتاقی مخصوص از خانه که ویژه برگزاری

^۱ گویش بهدینان یزد: šov-e vah

^۲ آنچه در این بخش درباره برگزاری مراسم نزد زرتشتیان یزد آمده است، از پژوهش‌های میدانی نگارنده استخراج شده که در سال ۱۳۸۶-۱۳۸۷ انجام شده است. نام و مشخصات همه کسانی که با ایشان مصاحبه شده در پایان مقاله آمده است. همچنین کورش نیکنام و مری بویس گزارشی از مراسم پنجه در روستای شریف‌آباد تهیه کرده‌اند؛

نک: نیکنام، ۱۳۸۲: ۱۱۱-۱۱۴؛ Boyce, 1977: 212-226

^۳ گویش بهدینان یزد: psgem-e mas

مراسم دینی است، سفره‌ای سفید می‌گسترند و روی آن یک ظرف آب پاک، شراب، شیر، میوه و شیشه^۲ می‌نهند، حداقل روزی یک بار بوی و برنگ^۳ می‌کنند، خوراکی‌های بودار مانند حلوا شکر، حلوا سن، نان تازه و نان پی پیاز می‌پزند^۴، تخمه خربزه و هندوانه را بو می‌دهند تا فضایی پر از بوهای بهشتی را برای روان در گذشتگان تداعی کنند.

بعد از ظهر آخرین روز پنجه بزرگ، همه بهدینان یک دسته خار یا تیغ را به بالای پشت بام برده، روی بلندترین جای بام قرار می‌دهند. در خانه و روی بام گل سفید می‌ریزند و قبل از غروب آفتاب، یک چراغ فانوس روشن، یک کاسه آب پاک، یک کلچه مورت و ظرف شیشه را به پشت بام می‌برند.

صبح زود، قبل از سپیده دم که آن را «صبح وه»^۵ یعنی «صبح بهتر» نیز می‌نامند، وقتی هنوز هوا تاریک است، همهٔ زرتشتیان از کوچک و بزرگ بیدار می‌شوند، مردان و پسران بر پشت بام رفته، خارهایی را که روی بام جمع کرده بودند آتش زده، کشتی نو می‌کنند و هر نیایشی را که می‌دانند، مانند اوستای سروش واج و کشتی یا اوستای گاه و آفرینگان پنجه را زمزمه می‌کنند. زنان و دختران نیز در آتشدان، آتش روشن می‌کنند و بوی خوش روی آن می‌گذارند و آن را همراه با یک سینی پر از میوه‌های فصل که آنها را با آب پاک شسته‌اند، به پشت بام می‌برند. هنگام خواندن نیایش، میوه‌ها را به دو نیم می‌کنند تا بوی عطر آن در هوا بیچد. همهٔ خانواده دور هم در کنار نور آتش و بوی خوش میوه و سبزه و پختنی‌های گوناگون، در انتظار نخستین

^۱ گویش بهدینان یزد: *genze-y paki*

^۲ شیشه، نام سبزه‌ای است از هفت نوع غله که زرتشتیان آن را برای مراسم پنجهٔ آخر سال، مراسم سی روزه و آیین‌های دیگر مربوط به درگذشتگان سبز می‌کنند (گشتاسب، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

^۳ گویش بهدینان یزد: *boy-o-breng/ bud-o-breng*: «بوی و برنگ» شامل سیروگ، تخم مرغ سرخ شده، تخم مرغ زیرآتش و سیر و سداب است که باید حتماً هنگامی که موبد در حال خواندن اوستای آفرینگان است، تهیه شود. (برای روش پخت سیروگ و سیر و سداب نک: سروشیان، ۱۳۸۱: ۶۳۶-۶۳۷).

^۴ برای روش پخت این خوراکی‌ها نک: سروشیان، ۱۳۸۱: ۶۳۶-۶۳۷.

^۵ گویش بهدینان یزد: *gain-e vah*

پرتوهای نور خورشید چشم به آسمان می‌دوزند و با کلام اوستا، فروهر درگذشتگان را بدرقه می‌کنند. آفتاب که سر زد، کاسه آب را پشت سر میهمانان مینوی خویش بر روی بام پاشیده و شاخه‌های سبز مورد و شمشاد را بر بالای سردر خانه‌ها می‌گذارند تا جای پای سبز درگذشتگان را تا سال بعد همین موقع، به نشانه تبرک و خوش یمنی نگاه دارند.

آش جِجَه یکی از خوراکی‌های ویژه «شب وه» است که به آن «آش هفت دو نار» هم می‌گفتند، آشی است که در آن از همه نوع حبوبات و میوه‌های خشک و تازه که در سفره پنجه چیده شده بود و نیز سبزیهای گوناگون می‌ریختند — همه چیز غیر از گوشت — و بعد از ظهر آخرین روز پنجه بعد از آن که نان‌ها را پختند، همه این مواد را در قابلمه بزرگی به نام «قابلمه تنور»^۱ می‌ریختند و آن را در تنور می‌گذارند که تا صبح بپزد. هم خود اهل خانه از آن می‌خوردند و هم برای همسایه‌ها می‌بردند، چون همان زمان هم همه بهدینان از این‌اش درست نمی‌کردند.

صبح روز بعد از شب وه یعنی روز اورمزد و ماه فروردین، بهدینان نخست مقداری از خل‌های آتشی را که بر بام افروخته بودند، در آتشدان می‌گذارند و روی آن بوی خوش ریخته و آن را به درمهر می‌برند تا آن را با آتش بهرام هم پیوند کنند^۲. پس از بازگشت به خانه، همه زرتشتیان به «دادگاه» (دخمه) می‌روند و بار دیگر به یاد درگذشتگان خویش نیایش می‌خوانند و بوی و برنگ می‌کنند. با این که اکنون سالهاست که دیگر زرتشتیان درگذشتگان خود را در دخمه نمی‌گذارند، این مراسم هنوز در چند روستای زرتشتی نشین یزد (شریف‌آباد و مزرعه کلانتر) به همین شکل و در جاهای دیگر به شکلی دیگر برگزار

^۱ گویش بهدینان یزد: dize-y trin

^۲ آتشی که در تمام آیین‌های نیایش خوانی مانند گاهنبار، فروردیگان، مراسم درگذشتگان و سده تقدیس می‌شود پس از مراسم، به آتشکده برده شده، با آتش مقدس هم پیوند می‌شود. این مراسم هنوز در روستاهای قدیمی مانند مزرعه کلانتر و شریف‌آباد برای آتش آخرین شب پنجه انجام می‌شود، ولی برای مراسم دیگر مانند گاهنبار و مراسم درگذشتگان از یاد رفته است (برای شرح مراسم پنجه در روستای شریف‌آباد نک: Boyce, 1977: 212-226).

می‌شود، مثلاً به آرامگاه درگذشتگان می‌روند. به‌ویژه کسانی که در سال گذشته کسی را از دست داده‌اند، در صبح پس از مراسم فروردیگان به آرامگاه می‌روند. برگزاری مراسم «پُرسه» در روزِ نخست سال و دیدار از بستگان نزدیک تازه درگذشتگان نیز احتمالاً با همین رسم و مراسم فروردیگان ارتباط دارد.

۲. آیین‌های چهارشنبه سوری و رد پای رسوم فروردیگان در آنها

۲-۱. افروختن آتش

افروختن آتش را باید مهم‌ترین رسم چهارشنبه سوری دانست که در تمام مناطق ایران انجام می‌شود. رسم عام و همگانی این است که اندکی پس از غروب آفتاب آخرین چهارشنبه سال، پشته‌هایی از هیزم و بوته‌های خشک جمع‌آوری و پس از غروب آفتاب آتش زده می‌شود و اهالی خانه از روی آتش می‌پرند و گاه اشعاری می‌خوانند که رایج‌ترین آن این است: «سرخ‌ی تو از من، زردی من از تو». در برخی مناطق جزئیات آتش افروزی بیشتر است؛ مثلاً پشته‌های هیزم را به تعداد مشخصی که معمولاً عدد فرد است، جمع‌آوری می‌کنند و شعرهایی که هنگام پریدن از روی آتش خوانده می‌شود، بسیار متنوع‌اند و مضمون آنها بیشتر دربارهٔ بلاگردانی و دور کردن و دفع بیماری‌ها و سختی‌ها و کنار نهادن کهنگی سالی است که گذشته و به پایان رسیده است.^۱

علیرغم اینکه رسم عام، افروختن آتش در حیاط خانه یا کوچه یا مکانی عمومی است، در برخی شهرهای ایران آتش را بر بام خانه می‌افروزند، همچنان که رسم کهن فروردیگان است. در فروردیگان آتش باید بر بلندترین بام خانه افروخته شود، مکانی که شاید به طور نمادین نزدیک‌ترین جای زمین به آسمان و مأمن فروهر درگذشتگان است. برای نمونه می‌توان به الموت (حمیدی، ۱۳۸۴: ۳۰۸)، کردستان (هویان، ۱۳۹۰: ۴۳)، اردبیل (صفری، ۱۳۷۰، ج ۲: ۱۰۵)،

۱ برای برخی از این آداب و آیین‌های خاص نک: هدایت، ۱۳۳۴: ۱۵۲؛ شکورزاده، ۱۳۴۶: ۶۵؛ میرشکرایی، ۱۳۷۴: ۴۵۶؛ پاینده، ۱۳۷۷: ۱۲۲-۱۲۳؛ اصلاح عربانی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۴۵۶؛ هویان، ۱۳۹۰: ۴۲؛ مجتهدپور، ۱۳۹۴: ۴۴۶.

خور، نائین و رضائیه(هنری، ۱۳۵۳: ۲۵-۲۷) اشاره کرد که آتش را بر بام خانه روشن می‌کنند. مردم گیلان نیز بر این باورند که برای استقبال از روان نیکانشان، باید آتش را بر بلندترین جای خانه بیفروزند تا درگذشتگان راه خود بیابند و روشنایی را در خانه‌هایشان ببینند(رفیع‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۶، ۳۵). آنان این شب را بهترین شب سال می‌دانند و معتقدند که شب چهارشنبه‌سوری نشاندهنده وضعیت سال آینده خواهد بود(همان: ۱۶)، دقیقاً باوری که زرتشتیان نیز دارند و چنان که گفته شد این شب را «بهترین شب»^۱ می‌نامند.

در الموت همچنین رسم است که ریشه‌های گون آتش زده را بر پشت بام‌های دیگر می‌اندازند تا سایر خانه‌ها هم در طول سال از گزند حوادث محفوظ بمانند (حمیدی، ۱۳۸۴: ۳۰۸)؛ و در کميجان(عارف، ۱۳۹۱: ۹۱) نخست به خانه افرادی می‌روند که در آن سال کسی را از دست داده‌اند و آتش را روی بام آنها روشن می‌کنند. این رسم را که از اعتقاد به بازگشت فروشی‌ها در روزهای پایانی سال نشان دارد، باید بازمانده رسوم فروردیگان نزد مردم ایران دانست. افروختن آتش بر بام خانه در آخرین شب فروردیگان به اندازه‌ای برای زرتشتیان مهم و ضروری است که اگر در این روز در خانه‌ای بسته بود و ساکنان آن حضور نداشتند، همسایگان بر بام آن خانه نیز آتش روشن می‌کنند. آنچه در باورهای مردم مناطق مختلف ایران در رابطه با شاد کردن روان درگذشتگان در شب چهارشنبه‌سوری باقی مانده است، احتمالاً یادگار از آیین کهن فروردیگان است. مثلاً مردم گیلان شب چهارشنبه‌سوری را شب بازگشت روان درگذشتگان و رسیدن به حاجات و آرزوهایشان می‌دانند(رفیع‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۶)؛ و در چند روستای دیگر مانند ماکلوان، در شب چهارشنبه‌سوری سفره‌ای می‌کشند که در آن هفت نوع غذا و هفت نوع سبزی موجود است، آنان مقداری از هر نوع غذا را در یک سینی بزرگ گذاشته و پارچه‌ای روی آن می‌اندازند و هفت شمع دور آن روشن می‌کنند و بر یک بلندی در بیرون از خانه می‌گذارند با این باور که درگذشتگان در آن شب به خانه‌ها

^۱ گویش بهدینان یزد: šov-e vah

خود برمی‌گردند و از بازماندگان انتظار دارند که به یاد ایشان باشند (همان: ۲۰-۲۱). در بعضی روستاها غذاهایی را که برای روان نیاکان در نظر گرفته‌اند به آب روان می‌سپارند (همان: ۲۱) مانند رسمی که زرتشتیان شریف‌آباد پس از مراسم درگذشتگان به جای می‌آورند و سهمی از خوراک‌های سفره را به نیت درگذشتگان در آب می‌ریزند و به آن خوراک ماهی^۱ می‌گویند (Boyce, 1977: 44).

یادآوری از روان درگذشتگان در شب چهارشنبه سوری در روستاهای شمال ایران با باوری کهن و بومی در این منطقه یعنی «چهارشنبه خاتون» نیز آمیخته است.^۲ در بعضی مناطق گیلان، بانوی خانه مقداری از خوراک‌های مخصوص شب چهارشنبه سوری مانند ترشه تره و ماهی را در ظرفی در جلوی ایوان خانه آویزان می‌کند تا نیاکان و اجدادش که همراه با چهارشنبه خاتون به خانه سر می‌زنند، بدانند که اهالی خانه به یاد ایشان هستند و از آنها می‌خواهند که به ایشان برکت و روزی بیشتری ببخشند (رفیع‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۰-۲۱؛ اصلاح عربانی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۴۵۶).

باور دیگری که درباره آتش چهارشنبه سوری نزد برخی از ایرانیان همچنان وجود دارد، تقدس این آتش است که آنان را از بی حرمتی به این آتش باز می‌دارد. آتشی که در آخرین شب

^۱ گویش بهدینان: čom-e māhi

^۲ افسانه «چهارشنبه خاتون» یا «خاتون چهارشنبه سوری» از افسانه‌های مشهور و کهن گیلان است. در این افسانه خاتون چهارشنبه سوری که پیرزنی دانا ولی با چهره‌ای خشن است سالی یک بار در شب چهارشنبه سوری از مکان و مأوی تاریک خود که چاهی کهنه در مکانی نامعلوم است، بیرون می‌آید و پس از سرکشی از منازل و بررسی نظافت آنها، سپیده دم به مکان دائمی خود بازمی‌گردد. او وظایف متعددی بر عهده دارد و می‌تواند نذرها و آرزوهای مردم را برآورده کند، به همین دلیل مردم گیلان برای او اهمیت زیادی قائلند و سعی می‌کنند او را خشنود نگاه دارند؛ بنابراین در این شب منزل خود را تمیز می‌کنند، لباس پاکیزه می‌پوشند و سفره‌ای از خوراک‌های گوناگون برایش تدارک می‌بینند. آنان معتقدند خاتون به تمیزترین خانه‌ها می‌رود، از خوراک‌ها می‌خورد و به آن منزل خیر و برکت هدیه می‌کند (محسنی، ۱۳۹۵: ۱۹۲-۱۹۵). باورهایی شبیه به «چهارشنبه خاتون» را در مناطق دیگر ایران مانند آذربایجان، کردستان و هرمزگان نیز می‌توان یافت (همان: ۱۹۵-۱۹۶).

فروردیگان بر بام روشن می‌شود، نزد زرتشتیان دارای حرمت است و به همین دلیل از روی آن هیچگاه نمی‌پزند، از آن مراقبت می‌کنند و صبح روز بعد، پاره‌های روشن آن را به آتش آتشکده پیوند می‌دهند؛ رسمی که برای آتش گاهنبار و آتش جشن سده هم انجام می‌شود و احتمالاً همین باور است که در برخی از نقاط ایران همچنان زنده است. مثلاً مردم برخی از مناطق گیلان بر این باورند که پریدن از روی آتش فقر می‌آورد (پاینده، ۱۳۷۷: ۱۲۲) و در شاهرود (شریعت زاده، ۱۳۷۱: ۴۶۰) عقیده دارند که خاکستر چهارشنبه سوری را نباید لگد کرد. مردم خور پریدن از روی آتش چهارشنبه سوری را گناه می‌دانند (هنری، ۱۳۵۳: ۲۵) و در ورک الموت و خراسان نیز آتش چهارشنبه سوری را خاموش نمی‌کنند و می‌گذارند تا خودش خاموش شود (هنری، ۱۳۵۳: ۲۶؛ شکورزاده، ۱۳۴۶: ۶۵؛ هویان، ۱۳۹۰: ۴۲).^۱ پریدن از روی آتش، که زرتشتیان و مردم برخی از نقاط ایران آن را بی حرمتی به آتش تلقی می‌کنند، باید در دوره‌های بعد از ساسانیان پدید آمده باشد.^۲ در این دوره احتمالاً پریدن از روی آب و آتش با این باور که می‌توان بلاها و بیماریها را به آنها سپرد و در عوض روشنی و پاکی و سلامتی و گرما را از آب و آتش گرفت — چنان‌که باور مردم و اشعار هم نشان می‌دهند — به تدریج قوت گرفته است. شستن دست و رو با آب تازه و پریدن از روی آب و ریختن قطرات آب تازه در گوشه‌های اتاق با این باور که دردها و شرور را می‌توان اینگونه دور کرد (مجته‌دپور، ۱۳۹۴: ۴۴۵، ۴۴۷)، با همین رسم ارتباط دارد.

پیشتر گفته شد که زرتشتیان در مراسم فروردیگان پس از افروختن آتش، برای بدرقه فروشی درگذشتگان خود، آبی را که سر سفره قرار داشت بر روی بام می‌ریزند و شاخه‌های

۱ این مراقبت را زرتشتیان نسبت به آتش چهارشنبه سوری و همه آتش‌های روشن دارند. آتش را فوت نمی‌کنند و با آب خاموش نمی‌کنند، روی آن اسفند و بوی خوش (مخلوطی از کندر و گیاهان خوشبو) می‌ریزند و می‌گذارند تا خودش خاموش شود.

۲. پورداد (۱۳۸۶: ۱۰۲) بر این عقیده است که پریدن از روی آتش و گفتن جملاتی نظیر «سرخ تو از من، زردی من از تو» که ناسزاگویی به آتش محسوب می‌شود، به روزگاری مربوط می‌شود که ایرانیان دیگر مانند نیاکان خود آتش را نماینده فروغ ایزدی نمی‌دانستند.

سبز مورد و شمشاد را که همراه با لوازم دیگر سفره پنجه به بالای بام برده بودند، بر سردرِ خانه می‌گذارند و تا فروردیگان سال بعد به آن دست نمی‌زنند. آب نشانهٔ امشاسپندِ خرداد و شاخه‌های مورد و ظرف سبزه نشانهٔ امشاسپندِ امرداد است که به ترتیب موکل بر آب‌ها و گیاهان هستند. آب و سبزه و نیز گلدانی از گیاهان سبز مانند مورد و سرو و شمشاد، از لوازمِ همیشگی سفره‌های گاهنبار است که در آن نشانه‌هایی از هفت امشاسپند که موکل بر هفت آفرینش اهورامزدا (آسمان، آب، زمین، گیاه، حیوان، انسان و آتش) هستند، قرار دارد. رسمی شبیه به این رسوم را در چهارشنبه سوری هم می‌بینیم. مثلاً در گیلان آینه و یک کاسه آب را هم کنار آتش می‌گذارند و بعد از پریدن از روی آتش آن آب را بر روی زمین می‌ریزند (رفیع‌زاده، ۱۳۸۲: ۳۵؛ میر شکرایی، ۱۳۷۴: ۴۵۶). همچنین در اردبیل در شب چهارشنبه سوری دو شاخه بوتهٔ تمشک را در بالای در خانه می‌گذارند که تا سال بعد چهارشنبه سوری در همانجا می‌ماند (مجتهدپور، ۱۳۹۴: ۴۴۵). در املش گیلان نیز هنگام بازگشت به اتاق چند شاخه از شمشادهای باغ را چیده و بر چفت در خانه یا روی تاقچه می‌گذارند و بعد از سیزده آنها را جمع می‌کنند و در انبار برنج می‌نهند تا خیر و برکت در خانه آنها باقی بماند (اصلاح عربانی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۸۲۹).

از سوی دیگر سفره‌ای که گیلانی‌ها در شب چهارشنبه سوری می‌کشند، شبیه به سفره گاهنبار و جشن فروردیگان است. در گیلان بر این سفره، آینه، سبزه، هفت نوع غذا، آجیل، تخم‌مرغ پخته رنگی، کاسه آب، گلدان گل و شمع می‌گذارند (رفیع‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۰). نگاه داشتن این سفره از چهارشنبه سوری تا نوروز و سپس جایگزین کردن آن با سفره هفت سین (همانجا) دقیقاً رسمی است که در پنج روز فروردیگان انجام می‌شود. زرتشتیان در نخستین روز گاهنبار همسپندم یا فروردیگان سفره‌ای برای درگذشتگان خانواده می‌گسترند و پس از افروختن آتش در آخرین شب فروردیگان آن سفره را جمع می‌کنند.

۲-۲. آجیل چهارشنبه‌سوری

یکی از رسوم چهارشنبه‌سوری در تمام ایران، تهیه آجیل مخصوص این شب است. فراهم آوردن آجیل که شامل انواع خشکبار و میوه‌های خشک مانند پسته، بادام، فندق، گردو، کشمش، انجیر، قیسی خشک و جز آن است، در آیین‌های دیگر ایرانی مانند نوروز و شب یلدا نیز دیده می‌شود، اما جزئیات آن در این آیین‌ها تغییر می‌کند.

ترکیبی از هفت نوع مختلف خشکبار یکی از سنت‌های کهن ایرانی است که در تمام سفره‌هایی که زرتشتیان در آیین‌های دینی می‌گسترند، حفظ شده است و «لُرك»^۱ نام دارد. لُرك جز آن که نماد آفرینش گیاهان است که موکل آن آشناسپندِ امرداد است، خیرات اصلی بیشتر آیین‌ها مانند گاهنبار، مراسم درگذشتگان و جشن‌ها را نیز تشکیل می‌دهد و به این دلیل که با خواندن اوستا تقدیس می‌شود، سپندینه و برکت بخش نیز هست (گشتاسب، ۱۳۹۱: ۶۳). کلیات این رسم در همه آیین‌ها همان است که گفته شد، یعنی ترکیبی از هفت نوع مختلف خشکبار، اما جزئیات آن در آیین‌های مختلف زرتشتی با یکدیگر تفاوت دارد. در مراسم جشن و شادی مانند نوروز، عروسی و سدره پوشی، از پسته و بادام و فندق بو داده استفاده می‌شود و انواع نقل‌ها و شیرینی‌ها را به آن می‌افزایند. زرتشتیان کرمان لُرك عروسی و سدره پوشی را با بادام و پسته پوست گرفته که با محلول شکر غلیظ آمیخته و خشک کرده‌اند، تزئین می‌کنند؛ در حالی که در آیین‌های درگذشتگان و گاهنبارها حتماً از خشکبار خام استفاده می‌کنند و دیگر نقل و شیرینی نیز به آن نمی‌افزایند. به این ترتیب در آیین فروردیگان یا گاهنبار همسپندم، لُرك حتماً باید ترکیب خشکبار خام و شیرین باشد (همان).

چنانکه گفته شد، در جشن‌های نوروز و شب یلدا و چهارشنبه‌سوری نیز در مناطق مختلف ایران، آجیل حتماً تهیه می‌شود، اما جزئیات آن در آیین‌های مختلف با هم فرق دارد. مثلاً بر خلاف سفره‌نوروزی که در آجیل آن معمولاً از خشکبار شور و بو داده استفاده می‌شود، برای شب

^۱ گویش بهدینان یزد: lork

چهارشنبه سوری باید حتماً «آجیل شیرین» تهیه کرد. در تهیهٔ آجیل چهارشنبه سوری نیز، مردم برخی مناطق ایران جزئیاتی را رعایت می‌کنند که مهم و بنیادین است و در ارتباط این آیین با رسم فروردیگان می‌توان بدان توجه کرد. در خراسان آجیل چهارشنبه سوری که به آجیل بی نمک موسوم است، از انجیر، خرما، توت خشک، فندق، پسته، بادام خام و امثال آن تشکیل می‌شود، و مردم معتقدند که خوردن آجیل بی نمک در این شب شگون دارد (شکورزاده، ۱۳۴۶: ۶۶). در تهران قدیم آجیل چهارشنبه سوری را آجیل مشگل گشا می‌دانستند و افزون بر آجیل شور، برگه هلو و زردآلو، قیسی، کشمش سبز، پسته و بادام و فندق بو نداده، مویز، باسلق، شکر پنیر و مغز گردو در آن می‌ریختند و خوردن آن را خوش یمن و باشگون می‌دانستند (هویان، ۱۳۹۰: ۴۱). در گیلان آجیل چهارشنبه سوری از محصولات خانگی و شامل برنج، عدس، خرسه نخود (نوعی نخود)، تخمه آفتابگردان، تخمه کدوی بو داده، کشمش و گردو است. در گیلان حتماً مقداری از این آجیل را برای زمان کاشت محصول بر می‌دارند چون معتقدند آجیل چهارشنبه سوری مخصوص روان درگذشتگان است و نیروی کشاورز را افزون می‌کند (رفیع‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۰).

مواد آجیل چهارشنبه سوری بسیار شبیه به لُرکی است که زرتشتیان برای مراسم درگذشتگان و گاهنبارها و بنابراین برای فروردیگان و مراسم پنجه فراهم می‌کنند. بجز شباهت ظاهری این آجیل و لُرک، اعتقاد به خوش یمنی و برکت بخشی آن و نیز اینکه برکت این آجیل ارمغانی است که روان نیاکان و درگذشتگان به خانواده بخشیده است، ارتباط بیشتر این دو آیین و جزئیات آن را گواهی می‌دهد.

۲-۳. تفأل زدن و برکت خواهی

تفأل زدن و برپایی آیین‌های برکت خواهی یکی دیگر از رسومی است که در شب چهارشنبه سوری برگزار می‌شود. برای تفأل زدن و برکت خواهی در این شب آیین‌هایی بسیار گوناگون در شهرها و روستاهای مختلف ایران رواج دارد و برگزار می‌شود که مشهورترین آنها عبارت‌اند از فال گوش، فال کوزه، شال اندازی و قاشق زنی (مجته‌دپور، ۱۳۹۴: ۴۴۹-۴۵۱).

می دانیم تفأل زدن از رسوم کهن نوروزی است، و به نظر می‌رسد برگزاری آن در چهارشنبه آخر سال به دلیل تقارن این روز با جشن نوروز بوده است. در کتاب بندهش که یکی از متون مهم پهلوی است، درباره «مروای نیک»^۱ یعنی «فال نیک زدن» در نوروز چنین آمده است:

اگر در سال نیک می‌توان زیست، به سبب خرداد است. چنین گفته می‌شود که «همه نیکی چون از برتران به گیتی آید، آن به سبب خرداد روز است که نوروز است». باشد که گفته شود که «همه روز آید، اما آن روز بیشتر آید». پیداست که اگر آن روز بر تن جامه‌ای نیکو بدارند و بوی خوش بویند و «مروای نیک» کنند (تفأل خیر زنند) و در نشستن از جای ریمن و از مردم بد دور باشند و آنها را بهره دهند و ستایش گاه‌های روز که ایریه نام و اسنیه نام‌اند، انجام دهند آن سال، نیکویی بدیشان بیش رسد و بدی از ایشان بیش دور سازد (بهار، ۱۳۶۹: ۱۱۶).

به این ترتیب می‌بینیم که مروای نیک و فال فرخنده زدن که همان تبریک و شادباش نوروزی و دوری کردن از سخن‌های نامبارک و بدشگون است (مزدایور، ۱۳۷۹: ۱۰)، بخشی از مراسم کهن نوروز و به طور خاص ششمین روز ماه فروردین یا روز خرداد و ماه فروردین (نوروز بزرگ)، بوده است. در نوشته دیگری از متون فارسی زرتشتی، روز خرداد از ماه فروردین «روز برات» یعنی روزی که بخشش و نعمت خداوند بین مردم قسمت می‌شود، نامیده شده است و سفارش شده است که مردمان در این روز به شادی و نیایش پردازند تا بهره بیشتری از این بخشش و نعمت داشته باشند.

ماه فروردین روز هورمزد نوروز بزرگ است، نوروز العظیم گویند، کارهای کرفه بکنند... فروردین، روز خرداد، نوروز خوردادی گویند... جامه نو بر [کنند] و شیر، گل و شیرینی و ناوه اسپرم (=گلدان گل) نهادن و میوه‌ها... نهادن... و شادی و جشن و میهمانی بکنند... هر سال چون فروردین ماه، خورداد روز درآید، روزی به مردم بخشند؛ چه در آن سال بهر مردم خواهد

گذشتن آن روز بنویسند. آن روز را روز براد (=برات) گویند... میهمانی و شادی و بخشش کنند و دشمن دوست می‌کنند... (Unvala, 1922, vol.1: 494).

فال گرفتن و تفأل زدن به هر چه که نیک و پاک و خوش یمن است و دور کردن نحوست و بلا و هر آنچه بدشگون است، از رسم‌های چهارشنبه سوری و احتمالاً در پیوند با آیین‌های تفأل نوروزی و برکت خواهی در این جشن است. تعداد این آیین‌ها مانند فال گوش، فال کوزه، شال اندازی، زدن ساز، ریختن آب، تهیه باطل‌السحر، شکستن کوزه، آش ابوذر، قاشق زنی و گدایی برای بیمار، بسیار زیاد و متنوع است و چنان که پیشتر اشاره شد، حتی پریدن از روی آتش و آب نیز با سپردن بلا و بیماری به آنها و گرفتن روشنایی و پاکی نسبت پیدا کرده است. به نظر نگارنده، تمامی این آیین‌ها، با تفأل نوروزی و اعتقاد به برکت طلبی در آغاز سال نو ارتباط دارد. با رسم فال نیکو زدن در نوروز همه آشنا هستیم. در سنت‌های مردمی و فولکور ایرانی می‌توان به رسوم متنوع دیگری هم برای تفأل نوروزی دست یافت. مثلاً زرتشتیان به کماچ و کیک‌هایی که برای جشن پخته می‌شود، فالوده مروارید و حتی پلو و ته دیگ آن تفأل می‌زدند که «اگر اینها خوب از آب درآیند و خوش پخت و خوشمزه و برشته و خوب باشند، سال خوش است و گرنه...» (مزدآپور، ۱۳۷۹: ۱۱). نمونهٔ دیگر، تفأل زدن به خمیر ترشی^۱ است که هنگام سال نو بر سفرهٔ نوروزی می‌گذاشتند و روی آن پارچهٔ سبز می‌انداختند و اگر ور می‌آمد، آن را نشانهٔ سال خوب و پر برکتی می‌دانستند (همانجا). رسم تفأل زدن، از چهارشنبه سوری آغاز می‌شود و تا روز سال نو ادامه می‌یابد. فال گوش ایستادن، فال کوزه گرفتن، تفأل زدن به شعر حافظ معروف ترین فال‌های شب چهارشنبه سوری است. شادباش گویی نوروزی توسط فردی که خجسته نام داشت و فرخنده پی و خوش قدم بود نیز نوعی فال نیک زدن در آغاز سال نو بوده است و جالب است که همین آیین در برخی نقاط ایران مانند گیلان در شب چهارشنبه سوری نیز برگزار می‌شود (اصلاح عربانی، ۱۳۸۷: ۸۲۹).

^۱ گویش بهدینان: mir-e tum

به این ترتیب مهم‌ترین ویژگی تفال در فرهنگ ایران باستان را می‌توان ارتباط آن با جشن سال نو دانست. این ارتباط با رابطه سال نو و فروشی‌ها و نیز آفرینش آغازین هستی که نوروز یادآور آن است، پیوند می‌خورد. نوروز، زمان بخشش و تقسیم بهره مردمان است، چنان که در ازل و هنگام آفرینش آغازین هم همین‌گونه بوده است؛ از سوی دیگر زمانی است که فروشی درگذشتگان ده روز از جهان مینو فرود می‌آیند و به خان و مان قدیم خود سر می‌زنند تا از نیایش فرزندان و بازماندگان خود بهره‌مند شوند و در بخشش نیکی به جهانیان، خداوند را یاری رسانند.

به نظر می‌رسد این نوع تفال زدن و مروای نیک در آغاز سال نو به تدریج گسترش یافته و بخشی از آیین‌های جشن‌های دیگر نیز شده است. به تفال زدن در شب چهارشنبه‌سوری قبلاً اشاره کردیم، نمونه‌های مهم دیگر، یکی مراسم فال کوزه، یکی از اجزای تفکیک ناشدنی جشن تیرگان است و دیگری تفال به دیوان حافظ که از رسوم شب یلداست.

نتیجه

در برخی از کتاب‌ها و مقالاتی که درباره چهارشنبه‌سوری نوشته شده‌اند، به موضوع ارتباط چهارشنبه‌سوری با جشن فروردیگان اشاره شده اما تاکنون پژوهشی دقیق در آداب و رسوم چهارشنبه‌سوری و تطبیق آن با آیین فروردیگان انجام نشده است. در این مقاله پس از ارائه گزارشی از آداب و رسوم زرتشتیان در جشن فروردیگان، به جستجو در آداب و رسوم چهارشنبه‌سوری در مناطق مختلف ایران و تطبیق آنها با آیین‌های جشن فروردیگان پرداختیم.

چهارشنبه‌سوری سه رسم مهم و مرکزی دارد که در همه جای ایران مشترک است: افروختن آتش که مهم‌ترین آیین این جشن است؛ خوردن آجیل؛ تفال زدن و برکت خواهی.

رد پای دو رسم آتش افروزی و خوردن آجیل مخصوص (لرک) را که از آیین‌های فروردیگان هستند در بسیاری از رسوم چهارشنبه‌سوری در روستاها و شهرهای ایران همچنان

مشاهده می‌کنیم؛ اما آیین تفال زدن و برکت خواهی، خاص چهارشنبه سوری است و در جشن فروردیگان نشانی از آن نیست. به نظر می‌رسد این رسم به دلیل همزمانی چهارشنبه سوری با نوروز و اعتقاد به برکت طلبی در آغاز سال نو به این جشن اضافه شده است. بر اساس متون پهلوی و نوشته‌های فارسی زرتشتی، مروای نیک و فال فرخنده زدن که همان تبریک و شادباش نوروزی و دوری کردن از سخن‌های نامبارک و بدشگون است، بخشی از مراسم کهن نوروز بوده است.

نگارنده بر این باور است که جشن فروردیگان یا گاهنبار همسپتدم (ششمین گاهنبار) که یکی از آیین‌های دینی مهم زرتشتیان بوده است، پس از اسلام به جامعهٔ زرتشتی محدود شد؛ اما برخی از آیین‌ها و آداب آن که بخشی از باورهای مردم ایران شده بود — با کمرنگ شدن وجه دینی آنها — در دو آیین مهم پیش از نوروز یعنی «چهارشنبه سوری» و «شب عرفه» حفظ شده و به دورهٔ کنونی رسیده است. این نتیجه را به کمک یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های دیگری که در رابطه با آیین‌های نوروزی و به ویژه شب عرفه انجام شده است، می‌توان روشن ساخت.

منابع

- اصلاح عربانی. ابراهیم (۱۳۸۷). کتاب گیلان. ج ۴. تهران: گروه پژوهشگران ایران.
- برزآبادی فراهانی. مجتبی (۱۳۸۹). چهارشنبه‌سوری از آغاز تا امروز. تهران: اوستا فراهانی.
- پاینده لنگرودی. محمود (۱۳۷۷). آیینها و باورداشتهای گیل و دیلم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- پوردادود. ابراهیم (۱۳۸۶). آناهیتا. تصحیح میترا مهرآبادی. تهران: دنیای کتاب.
- حمیدی. علی‌اکبر (۱۳۸۴). مردم‌نگاری الموت. تهران: سازمان میراث فرهنگی، پژوهشکده مردم شناسی.
- دادگی. فرنیغ (۱۳۶۹). بندهش. ترجمه مهرداد بهار. تهران: توس.
- دالوند. حمیدرضا (۱۳۸۹). عید مردگان، بازمان‌های فروردیگان (گاهنبار ششم و همسپتدم) در میان مردم. پازند. سال ۶. شماره ۲۰ و ۲۱. صص. ۷-۳۳.

- رایینو. یاسنت لویی (۱۳۵۰). ولایات دارالمرز ایران، گیلان. ترجمه جعفر خمامی‌زاده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- رجبی. پرویز (۱۳۷۵). جشنهای ایرانی. تهران: فرزین
- رفیع‌زاده. فرشته (۱۳۸۲). چهارشنبه‌سوری: پژوهش مردم‌شناسی در زمینه جشن‌های آتش در سرزمین‌های ایرانی. شیراز: نوید شیراز.
- روح‌الامینی. محمود (۱۳۸۷). آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز. تهران: آگه.
- سروشیان. مهوش (۱۳۸۱). خوراک‌های آیینی و سنتی زرتشتیان در ایران، سروش پیر مغان. در: یادنامه جمشید سروشیان. به کوشش کتابون مزداپور. تهران: ثریا. صص. ۶۶۲-۶۲۹.
- شریعت‌زاده. علی اصغر (۱۳۷۱). فرهنگ مردم شاهرود. نشر مؤلف.
- شکورزاده. ابراهیم (۱۳۴۶). عقاید و رسوم عامه مردم خراسان. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- صفری. بابا (۱۳۷۰). اردبیل در گذرگاه تاریخ. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی اهر.
- عارف. محمد (۱۳۹۱). کمیجان، سرزمین شگفت‌انگیز تات‌ها و مادها. تهران: طهوری.
- فره‌وشی. بهرام (۱۳۹۰). جهان فروری. تهران: فروهر.
- قریب. بدرالزمان (۱۳۷۶). هفته در ایران قدیم، پژوهشی در هفت پیکر نظامی و نوشته‌های مانوی. نامه فرهنگستان. سال ۳. شماره ۴. صص. ۱۱-۳۹.
- گشتاسب. فرزانه (۱۳۹۰). بررسی چند واژه آیینی در دین مزدیسنی. مجله انسان‌شناسی. سال ۹. شماره ۱۵. صص. ۱۲۴-۱۳۴.
- ----- (۱۳۹۱). تأملی در آداب و رسوم زرتشتیان ایران. پژوهشنامه ادیان. شماره ۱۲. صص. ۱۵۷-۱۷۶.
- ----- (۱۳۹۹). گاهنبار، سنت کهن مکتوب و آداب و رسوم امروزی آن. مطالعات مردم‌شناسی. سال ۲. شماره ۱. صص. ۶۱-۷۴.
- مجتهدپور. یاسمین (۱۳۹۴). چهارشنبه‌سوری. دایره‌المعارف فرهنگ مردم. جلد ۳. صص. ۴۴۴-۴۵۵.

- محسنی. فیروزه (۱۳۹۵). نمادپردازی در افسانه "خاتون چهارشنبه‌سوری" در گیلان. فرهنگ و ادبیات عامه سال ۴. شماره ۱۰. صص. ۱۹۱-۲۰۶.
- مزدپور. کتایون (۱۳۶۹). شایست نا شایست. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- (۱۳۷۹). تفأل نوروزی. کتاب ماه هنر. شماره ۲۹ و ۳۰. صص. ۱۰-۱۱.
- (۱۳۹۱)، آتش‌افروزی در نوروز. در: چند سخن. صص. ۱۰۱-۱۱۳. تهران: فروهر.
- مولایی. چنگیز (۱۳۸۲). بررسی فروردین یشت (سرود اوستایی در ستایش فروهرها). تبریز: دانشگاه تبریز.
- میرشکرایی. محمد (۱۳۷۴). مردم‌شناسی و فرهنگ عامه. کتاب گیلان، جلد ۳. تهران: گروه پژوهشگران ایران.
- نیکنام. کورش (۱۳۸۲). از نوروز تا نوروز. تهران: فروهر.
- هدایت. صادق (۱۳۳۴). نیرنگستان. تهران: امیرکبیر.
- هنری. مرتضی (۱۳۵۳). آیین‌های نوروزی. تهران: وزارت فرهنگ و هنر
- هویان. آندارنیک (۱۳۹۰). جشن‌های ایرانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- Bartholomae. Christian) 1961). **Altiranisches Wörterbuch**. Berlin.
- Boyce. M.) 1977). **A Persian Stronghold of Zoroastrianism**. Oxford.
- Unvala. M.R. (ed.)) 1922). **Darab Hormozyar's Rivayat**. II vols. Bombay.

مشخصات کسانی که در سال ۱۳۸۶-۱۳۸۷ با آنها گفتگوی شفاهی انجام شده است:

آدخت خسرویانی، ۶۷ ساله از قاسم‌آباد یزد

بانو پشوتن، ۸۷ ساله از مریم‌آباد یزد

پریدخت نوشیروان بهرامشهری، ۶۹ ساله از نرسی‌آباد

جمشید بلیوان، ۷۴ ساله از نرسی‌آباد

دولت تیراندازی، ۶۵ ساله از چم

زمرد جراح، ۷۲ ساله از کوچه بیوک
سلطان موبد فریدون، ۸۰ ساله از محله یزد
شهناز شهزادی، ۵۳ ساله از زین‌آباد
فرنگیس ترکی، ۶۱ ساله از شریف‌آباد
فرنگیس شیرویا، ۶۲ ساله از حسینی
فیروزه صنمی، ۷۲ ساله از نرسی‌آباد
کتابیون سروش کدمی، ۸۶ ساله از خرمشاه
گوهر بهرام، ۹۲ ساله از محله یزد (همسر موبد رستم موبد بهرام موبد مهرگان)
گوهر ضیاتیبری، ۹۰ ساله از چم
موبدیار بهمن خرسند نمیرانیان، ۸۵ ساله از نصرت‌آباد
موبدیار سروش سلامتی، ۷۵ ساله از شریف‌آباد
موبدیار کیخسرو ماوندادی، ۶۵ ساله از قاسم‌آباد
موبد مهربان فیروزگری، از تهران
مهین اوشیدری، ۶۸ ساله از کرمان